

قراءات مطلوب ایرانیان در عهد صفوی

آلاء وحیدنیا^۱

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۲/۲ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۴/۲۶)

چکیده

مطالعه مخطوطات فراوان و متنوع قرآنی به جامانده از ایرانیان در طی ادوار مختلف به عنوان مستندی تاریخی از سرگذشت و سیر تحول قراءات می‌تواند به ارائه تصویری روشن‌تر از تاریخ انتقال متن قرآنی و تاریخ شیعه در منطقه جغرافیایی مهم و پهناوری از جهان اسلام یعنی ایران، منجر شود. این مقاله با مطالعه بیش از ۴۰ قرآن دست‌نویس مربوط به ایران پس از حمله مغول و به ویژه، دوران صفوی به عنوان نخستین حکومت ملی و شیعه در ایران پس از اسلام، در کنار بررسی دیگر مستندات تاریخی از سرگذشت قراءات در ایران نشان می‌دهد که در پی حمله مغول به ایران درخشش و تأثیرگذاری محافل قرائی ایران، همچون محافل کهن خراسانی، رو به افول نهاده و بعدها این محافل به تدریج تحت تأثیر محافل قرائی تثبیت شده در خارج از ایران، با پذیرش قراءات هفتگانه یا دهگانه رسمی دوباره پا گرفته‌اند. تصویری که از بررسی قرآن‌های خطی ایرانی دوران صفوی از قراءات مطلوب ایرانیان شیعی و نحوه ثبت آن در مصاحف آن روزگار به دست می‌آید، نشان می‌دهد هرچند قراءت عاصم به‌طور چشم‌گیری نسبت به دیگر قراءات ارجحیت داشته، اما برخلاف عثمانی در ایران ترجیح مطلق بر روایت حفص از عاصم نبوده است. نه تنها حضور پررنگ روایت ابوبکر شعبه از عاصم به عنوان دومین قراءت مطلوب ایشان در بسیاری از قرآن‌های خطی دیده می‌شود، بلکه گاه روایت او به عنوان روایت اصلی و مرجح بر روایت حفص، در قرآن‌ها ثبت شده است.

واژگان کلیدی: ابوبکر شعبه، صفویه، قرآن خطی، قراءت.

مقدمه

ایرانیان همزمان با استقرار دین اسلام در دیارشان به علوم مختلف اسلامی همچون علم قرائت و تفسیر، حدیث و حتی علم صرف و نحو عربی ورود کردند. بنا بر گزارش کتاب تاریخ سیستان، در روزگار معاویه، حکومت بصره، خراسان و سیستان به زیاد بن ابیه سپرده شد و وی ربیع الحارثی را به سیستان فرستاد و ربیع نیز مردمان را جبر کرد تا علم و قرآن بیاموزند (مؤلف ناشناخته، ۹۱). علی‌رغم اینکه ایشان زبان عربی را به عنوان زبانی غیر از زبان مادری آموختند، اما در زمینه علوم اسلامی و عربی خوش درخشیدند و حتی توانستند از اعراب نیز پیشی بگیرند. در علم قرائت - دانشی که به چگونگی خوانش قرآن و اختلاف‌ها در آن به سبب ناقلان متفاوت می‌پردازد - که مورد بحث ما در این نوشتار است، نیز ایرانیان تأثیری به سزا در تکوین و توسعه آن داشته‌اند. از میان قاریان هفت‌گانه، نافع بن عبدالرحمن بن ابی نعیم (دانی، ۱۷)؛ حمزه بن حبیب الزیات (ذهبی، سیرالاعلام، ۹۰/۷) و ابن کثیر (ابن ندیم، ۳۱) را از نژاد ایرانیان دانسته‌اند. اما جدا از این تاریخچه، از حدود سده چهارم هجری، بومگاه ایران بستری مناسب برای عالمان علم قرائت بوده است.

فعالیت محافل قرائی ایرانیان را می‌توان در دو دوره کاملاً مجزا بررسی کرد: در روزگار پیش از حمله مغول به ایران و دیگری در دوره پس از آن.

۱. دوره نخست یعنی روزگار پیش از حمله مغول به ایران، دوره درخشش و اثرگذاری ایرانیان در حوزه دانش قرائت است. به گواهی منابع تاریخی، محافل قرائی در مناطق مختلف ایران از جمله خراسان، اصفهان، ری، قزوین، همدان، شیراز ... فعالیت داشته‌اند.^۱ از به نام‌ترین محافل قرائی کهن ایران می‌توان به محافل قرائی خراسان اشاره کرد.^۲ نقش مهم افرادی هم‌چون ابن مهران نیشابوری و شاگردان وی و کتب مختلف تألیف شده توسط ایشان در روند توسعه علم قرائت قرآن انکارناپذیر است. ابن مهران نیشابوری، یا همان ابوبکر احمد بن حسین بن مهران (۲۹۵-۳۸۱ هـ) نخستین کسی

۱. تعداد پر شمار اسامی قاریان در کتب مختلف مربوط به طبقات قراء و اسناد قرائت با پسوند رازی، اصبهانی، نیشابوری، فارسی، شیرازی، قزوینی، ... این ادعا را ثابت می‌کند.

۲. شاید بتوان تاریخ آن‌را به دوره تابعین و اتباع تابعین و شخصیت‌های سرشناسی هم‌چون عکرمه مولای ابن عباس، ضحاک بن مزاحم، یحیی بن صبیح نیشابوری و خارجه بن مُصعب سرخسی (۹۸-۱۶۸ هـ) بازگرداند.

است که با مطرح ساختن قراءات ده گانه، نظریه ابن مجاهد (۲۴۵-۳۲۴ هـ.ق)، مقری بزرگ بغداد را در رسمی بودن تنها هفت قرائت در میان قراءت‌های مختلف قرآن به چالش کشید. وی با تألیف کتاب الغایه که در آن ده قرائت رسمی را به همراه اختیار ابوحاتم سجستانی مورد بررسی قرار داده بود، با نظریه حصر قراءات بر عدد هفت مخالفت ورزید. شاگردان وی نیز چنین رویکردی را ادامه دادند که از این میان می‌توان به کتاب الاشارة فی القراءات العشر، ابی نصر منصور بن احمد العراقی (د. ۴۶۵ هـ.ق) اشاره کرد (ابن الجزری، غایه، ۹۳/۱؛ همو، النشر، ۹۳/۱). البته چنین رویکردی منحصر به مکتب خراسان نماند و در اقصی نقاط ایران کتاب‌هایی در زمینه قراءات ده گانه و فراتر تألیف شد که می‌توان به کتاب‌های الجامع فی القراءات العشر، نصر بن عبدالعزیز بن احمد فارسی (شیرازی)^۱ (د. ۴۶۱ هـ.ق)، (ذهبی، سیرالاعلام ۳۴۳/۸)، المنتهی و فیه خمس عشرة قراءة از خزاعی گرگانی (د. ۴۰۸ هـ.ق) مشتمل بر ۱۵ قرائت،^۲ و کتاب الکامل فی القراءات العشر و الاربعین الزائده علیها،^۳ اثر یوسف بن علی بن جبارة ابن محمد بن عقیل هذلی^۴ (د. ۴۶۵ هـ.ق) که مشتمل بر ۴۰ قرائت افزون بر قراءات ده گانه است اشاره کرد.

از ویژگی‌های بارز رویکرد ایرانیان به قرائت در این دوران، مطرح ساختن مسئله اختیار یعنی ایجاد قراءت‌هایی مبتنی بر گزینش از میان دیگر قراءات قاریان بر اساس معیارهای خاص توسط صاحبان دانش گسترده در علم قراءات از قبیل کسانی چون ابوحاتم سجستانی (د. ۲۵۵ هـ.ق)، ابو عبید قاسم بن سلام خزاعی عالم خراسانی (د. ۲۲۴ هـ.ق) و یحیی بن صبیح (د. ۱۶۸ هـ.ق) و رواج چنین اختیارهایی در ایران بود (نک: موسوی بجنوردی، ۲۰۱/۱۴-۲۰۲).

به گزارش مقدسی در سده چهارم هجری مردم اصفهان قرائت ابو عبید و ابوحاتم و

۱. تنها نسخه شناخته شده این کتاب، در کتابخانه نور عثمانیه استانبول محفوظ است.

۲. خزاعی، ابی الفضل محمد بن جعفر (۱۴۳۴ هـ.ق)، المنتهی و فیه خمس عشرة قراءة، الخزاعی، تحقیق: محمد شفاعت ربانی، مجمع الملک فهد لطباعة المصحف الشریف.

۳. هذلی، یوسف بن علی بن جبارة ابن محمد بن عقیل (۲۰۷ م). الکامل فی القراءات العشر و الاربعین الزائده علیها، تحقیق: جمال بن السید بن رفاعی الشایب، مؤسسه سما للنشر و التوزیع.

۴. هذلی تباری مغربی دارد و در طلب علم از غرب تا به شرق سرزمین‌های اسلامی سفر کرده است. اما در نیشابور سکونت کرده و بر مشایخ اصفهان نیز قرآن را قرائت کرده بود. وی در نیشابور نیز در گذشت (حاجی خلیفه، ۱۳۸۱/۲؛ ذهبی، معرفة القراء، ۸۲۱/۲).

ادغام^۱ ابوعمر و ابن‌کثیر را اختیار کرده بودند (مقدسی، ۳۹۵). رافعی نیز در قرن ششم گزارش می‌دهد که احمد بن الحسن بن ابی الفرج مقرئ زنجانی در قزوین به تعلیم قرائت بر اساس قرائت و اختیارات کتاب *الاقناع* حسن بن علی بن ابراهیم مقرئ اهوازی مشغول بوده، این کتاب مشتمل بر ۱۱ قرائت (ابی جعفر مدنی، شیبة بن نصاح، محمد بن محیصن، حمید بن قیس، ابن شهاب زهری، حسن بصری، اعمش، ابن ابی لیلی، طلحة بن مطرف، ابی بحریه سکونی، محمد بن مناذر مدنی) و ۱۰ اختیار (یعقوب حضرمی، ایوب بن متوکل، یحیی بن مبارک، ابوعبید قاسم بن سلام، خلف بن هشام بزازی، ابی جعفر بن محمد بن سعدان نحوی، محمد بن عیسی اصبهانی، ابو حاتم سجستانی، احمد بن جبیر انطاکی، محمد بن جریر طبری) بوده است (رافعی، ۱۵۹/۲).

در اصفهان کسانی چون عبدالله بن عبدالعزیز مؤدب مقرئ متصدر به تعلیم و ترویج اختیار ابوحاتم می‌پرداختند. ابن‌مهران در کتاب *الغایة* از قول او نقل می‌کند که: "کان عندنا بأصبهان من لم یقرأ باختيار ابی حاتم لم یعد قارئاً" (ابن‌مهران، ص ۳۰). آنگونه که گفته شد ابن‌مهران خود در کتاب *الغایة* اختیار ابوحاتم را در زمره قرائت آورده است. احمد بن ابی‌عمرو اندرابی، از مقریان بزرگ خراسان در سده پنجم و از شاگردان ابو الحسن علی بن محمد فارسی، مقرئ نیشابور که او خود نیز از شاگردان ابن‌مهران است، در کتاب *الایضاح* خود^۲ به دو اختیار ابوحاتم و ابوعبید پرداخته است. گویا در نیشابور نیز اختیار قرائی یحیی بن صبیح (د. ۱۶۸ هـ) رواج داشته است و کسانی چون ثعلبی، ابوطاهر مقرئ و طرازی در انتشار آن سهم بسزایی داشته‌اند (ابن‌الجزری، *غایة النهایة*، ۱۳۷۵/۳ و ۱۲۰۳). در ماوراءالنهر نیز مدت‌ها اختیار مسعود بن صالح سمرقندی (د. ۲۴۵ هـ) راجع بوده است (وحیدنیا، ۶۹-۷۰؛ ابن‌الجزری، *غایة النهایة*، ۱۲۷۵/۳).

در مجموع، آنچه از آثار به جامانده از ایرانیان این دوران و همچنین گزارش‌های رسیده از مقریان و عالمان ایرانی در شهرهای ایران به دست آمده؛ نشان‌دهنده نقش

۱. دقیقاً مشخص نیست که منظور از ادغام چه بوده است؛ آیا مردم قرائت ابوعمر و ابن‌کثیر را ادغام کرده بودند و یا اینکه در "ادغام" پیرو قرائت ابوعمر و ابن‌کثیر بوده‌اند.

۲. این کتاب امروزه تنها به صورت نسخه خطی در دسترس است و هنوز چاپ و تصحیح نشده است. نسخه خطی این کتاب در کتابخانه بخش تحقیقات شرقی وابسته به دانشگاه استانبول، تحت شماره ۱۳۵۰/۷. A. نگه‌داری می‌شود (برای تفصیل در خصوص نسخه خطی کتاب *الایضاح* اندرابی نک: رحمتی، محمد کاظم، "اندرابی و کتاب *الایضاح* فی القراءات: متنی کهن از کرامیان خراسان"، *آینه میراث*، دوره جدید سال دوم شماره چهارم، زمستان ۱۳۸۳، پیاپی ۲۷، صص ۱۸-۶۶).

فعال، پیش‌رو و مؤثر ایرانیان در حوزه قرائت است؛ نه نقشی منفعل، پیرو و تأثیرپذیرفته از دیگر نقاط جهان اسلام، هم‌چون موضع اندلس در قبال قرائات که عالمان اندلسی در تألیفات خود جز در مواردی اندک بر همان هفت قرائت انتخاب شده توسط ابن مجاهد، پایبند بوده و همان‌ها را به رسمیت می‌شناسند.

حمله مغول به ایران و انقطاع محافل قرائی کهن ایرانی

مسئله اصلی این پژوهش بررسی رویکرد ایرانیان به مسئله قرائت در دوران پس از حمله مغول به ایران و انقطاع محافل قرائی کهن ایرانی است. یعنی از زمانی که مفهوم ایران از دوره ایلخانان (حک. ۶۵۴ - ۷۵۰ هـ.ق) در متون ادبی، تاریخی و سیاسی رایج گردید. به ویژه در روزگار حکومت صفویان (حک. ۹۰۷ - ۱۱۳۵ هـ.ق) که به عنوان یک حکومت مقتدر شیعی به موازات امپراطوری سنی مذهب عثمانی قرار داشت.

رشته محافل کهن قرائی ویژه ایرانیان، با حمله مغول به ایران در قرن هفتم هجری (حدود ۶۱۶ هـ.ق) و مهاجرت عالمان قرائت ایران به سرزمین‌های دیگر گسسته شد. اما احتمالاً پس از بازگشت آرامش به ایران، بازهم مجالی برای برپایی محافل قرائی و فعالیت مقلبان در شهرها و نواحی مختلف ایران پدید آمده است. کتابخانه‌ها و موزه‌های ایران امروزه مملو از رساله‌هایی در علم تجوید و قرائت است که در دوران تیموری و صفوی به رشته تحریر در آمده‌اند.^۱ همین امر گواهی است بر اهتمام به علم قرائت نزد ایشان. در این کتاب‌ها و رساله‌ها عمدتاً به شرح یکی یا همه قرائات هفت‌گانه یا نهایتاً ده‌گانه و چهارده‌گانه رسمی پرداخته شده و رویکردی نوین به مسئله قرائات در آن‌ها دیده نمی‌شود. از همین‌جا می‌توان حدس زد که احتمالاً در این دوران دیگر خبری از حلقه‌های مستقل تأثیرگذار و مبدع نیست، بلکه محافل قرائی ایران کاملاً پایبند به قرائت‌های رسمی تثبیت شده بوده‌اند.

به‌طور قطع مصاحف و قرآن‌های رواج یافته در میان ایرانیان در دوره‌ای که ما آن‌را

۱. موارد از این دست بسیار فراوانند، اما از آن جمله می‌توان به رساله‌ای در قرائت نافع به تاریخ ۱۱۵۸ توسط کاتبی به نام مالک حسین بن عبدالغنی حسینی به شماره ۱۳۹۳،۰۴،۰۶۲۷۴/۰۰۲ در موزه ملک؛ رساله در تجوید یا مختصری در بیان قرائت عبدالله بن کثیر مکی متعلق به سال ۹۸۱ به شماره IR ۱۰۶-۱۱۶۰۶ در کتابخانه مجلس، تحفة الابرار، مصطفی بن ابراهیم قاری تبریزی، به شماره IRIO-16913، کتابخانه مجلس و همچنین رساله در قرائت عاصم، عمادالدین استرآبادی، نسخه شماره ۱۳۹۳،۰۴،۰۶۲۰/۰۰۸ م، در موزه ملک اشاره کرد.

دوره دوم نام نهادیم، یعنی دوران پس از حمله مغول به ایران، قوی‌ترین مستندی است که می‌تواند اطلاعات مفید فراوانی را در زمینه سیر تحول قرائت در ایران و رویکرد ایرانیان به مسئله قرائت و حتی قرائت یا قرائت‌های مرجح در میان ایشان در آن روزگاران در اختیار ما قرار دهد. برخلاف سده‌های نخست اسلامی، به ویژه چهار قرن نخست، که یافتن قرآنی که بتوان آن را به طور قطع ایرانی و کتابت شده توسط ایرانیان دانست، دشوار است؛ از حدود سده هفتم و هشتم هجری به بعد یافتن قرآن‌های ایرانی و تاریخ‌دار به مراتب آسان‌تر می‌شود. مطالعه این مصاحف خطی ایرانی پس از حمله مغول به ایران بازهم نشان می‌دهد که محافل علم قرائت پس از گسسته شدن محافل تأثیرگذار کهن به شکلی متفاوت، این بار نه به صورت محافلی تأثیرگذار، بلکه تأثیرپذیرفته از محافل قرائی تثبیت شده در خارج از ایران، با پذیرش قرائت هفت‌گانه و یا ده‌گانه رسمی دوباره پا گرفته است.

بررسی نسخه‌ها از حیث قرائت ثبت شده در آن‌ها

اگر بپذیریم که قرائت رسمی هفت‌گانه یا ده‌گانه در این دوران کاملاً تثبیت یافته بوده است. حال باید دید که در این بین، قرائت (یا قرائت‌های) مرجح ایرانیان کدام بوده است؟

پرسش این است که آیا منطقه‌ای مهم و پهناور در جغرافیای جهان اسلام هم- چون ایران، علاوه بر سبک خاص خوشنویسی و کتاب‌آرایی که به حق، ایران در دوره‌هایی در آن پیش‌رو و تأثیرگذار بوده، در انتخاب مکتب قرائت نیز صاحب ایده خاص خود بوده است یا خیر؟

امروزه مصاحف خطی ایرانی بسیاری که در دوران صفوی کتابت شده‌اند در موزه‌ها و کتابخانه‌های ایران و خارج از ایران قابل دسترس هستند. چنین قرآن‌هایی محدوده ایران فرهنگی را بیش از ایران سیاسی آن دوران نمایان می‌کنند. اساساً در این پژوهش نیز ایران فرهنگی مورد نظر است و نه ایران تعیین شده با مرزهای سیاسی. اما تعداد بسیار زیاد این قرآن‌ها کار بررسی تمامی آن‌ها را دشوار و بلکه ناممکن ساخته است. به این منظور از میان انبوه این دست‌نویس‌ها، از میان چندین موزه و کتابخانه، چه در ایران و چه در خارج از ایران، قرآن‌های ایرانی دوره صفویه که امکان دسترسی به آن‌ها چه به صورت حضوری و چه به صورت مجازی، امکان‌پذیر بوده مدنظر گرفته شده است. عمده قرآن‌های مورد بررسی مربوط به کتابخانه ملی ایران، کتابخانه مجلس شورای

اسلامی، کتابخانه دانشگاه تهران و دانشگاه اصفهان، کتابخانه وزارت خارجه و همچنین موزه ملک است. اما مواردی از قرآن‌های ایرانی دوره صفوی در کتابخانه‌های دیگر هم-چون کتابخانه ملی آلمان، دانشگاه کمبریج و کتابخانه‌های ترکیه و... نیز که امکان بررسی آنها وجود داشت، نیز مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. از میان این نسخه‌ها تلاش شده تا حد امکان قرآن‌های دارای انجامه، که تاریخ کتابت و یا نام کاتب در آنها مشخص است، گزینش شوند. هرچند که تعدادی قرآن بدون تاریخ دقیق و نام کاتب نیز در فهرست نسخه‌های مورد بررسی قرار دارند. در تمام مصاحف انتخاب شده، شواهدی دال بر ایرانی بودن نسخه وجود دارد. شواهدی از قبیل خط، تذهیب، ترجمه فارسی، وجود توضیحات به زبان فارسی، فال‌نامه فارسی، انجامه دال بر تبار یا محل سکونت کاتب. در گزینش نسخه، به نفیس بودن آن نیز توجه شده و سعی بر آن بوده است که تعدادی نسخه نفیس نیز در فهرست نسخه‌های مورد بررسی وجود داشته باشند که تا حد امکان به نسخه‌های رسمی‌تر دست یافته باشیم.

روش‌های ثبت اختلاف قراءات در مصاحف

کاتبان مصاحف برای ثبت اختلاف قراءات روش‌های مختلفی را در پیش می‌گرفته‌اند که در ادامه خواهد آمد.

۱. آوردن اختلاف قراءات مربوط به قاریان در حاشیه نسخه با نام قاریان

شاید این روش را بتوان نمونه‌ای کامل از بنانهادن سازواره انتقادی^۱ از متن قرآن که تمامی اختلاف قراءات را پیش چشم خواننده قرار می‌دهد دانست. البته در این روش، تنها اختلاف قراءات بیان شده است و سخنی از اختلاف مصاحف کهن و یا اختلاف رسم‌الخط نیست. در قرآنی با ترجمه فارسی، بین سطور به شماره ۲ در کتابخانه ایا صوفیا در ترکیه، نمونه‌ای از این دست بیان اختلاف قراءات را می‌توان مشاهده کرد: این مصحف دارای دو جدول‌کشی برای حاشیه است که در حاشیه داخلی اختلاف قراءات و در حاشیه خارجی، تفسیر آیات ثبت شده است. نام‌های قاریان و راویان آنها به طور

۱. apparatus criticus درباره سازواره انتقادی در مصاحف قرآنی نک: وحیدنیا، آلاء، "ملاحظات در تصحیح مخطوطات کهن قرآنی برمبنای شیوه کارل لاکمان در تصحیح متون"، دوفصلنامه تاریخ و تمدن اسلامی، دوره ۱۵، ۱ (پیاپی ۲۹)، بهار و تابستان ۱۳۹۸، صفحه ۲۱۳ به بعد.

کامل و به رنگ شنگرف و با خطی ریزتر پس از خوانش‌های مختلف، آمده است و اختلاف قرائت به روشنی توضیح داده شده است. این در حالی است که متن اصلی بر اساس قرائت حفص از عاصم کتابت شده است.



نسخه شماره ۲ کتابخانه ایاصوفیا، ترکیه: توضیحات قرائی در حاشیه اول و توضیحات تفسیری در حاشیه دوم و ترجمه فارسی نیز مابین سطور به رنگ قرمز آمده است.

۲. اشاره به قرائتی دیگر در متن با رنگی متفاوت

در این شیوه اشاره‌ای به اسامی قاریان و روایانشان، بلکه متن قرآن بر اساس یک قرائت معین کتابت، اعراب و اعجام شده و یک قرائت دیگر نیز با رنگی متفاوت در مواضع مورد اختلاف مشخص شده است. شاید بتوان این شیوه را رایج‌ترین شیوه در ثبت اختلاف قرائت در قرآن‌های ایرانی دانست. نمونه‌هایی از این دست در قرآن‌های این دوره فراوانند که از آن میان می‌توان به قرآنی به خط شمس‌الدین عبدالله در دانشگاه پرینستون (به شماره مرجع Hitti, P. Garrett coll., 1159) اشاره کرد که در آن موارد اختلافی قرائت شعبه از عاصم با حفص از عاصم به رنگ قرمز در متن مشخص شده است.

۱. دسترسی به این نسخه از طریق تارنمای زیر امکان‌پذیر است:

<http://pucl.princeton.edu/objects/2r36tx59x>



نشان دادن اختلاف قرائت شعبه از عاصم در قرآن شماره 1159، Hitti, P. Garrett coll., به خط شمس‌الدین عبدالله، محفوظ در دانشگاه پرینستون.

۳. اشاره به اختلاف قرائات با علائم اختصاری

هم‌چون هر نسخه خطی دیگری، بسیاری از نسخ خطی متأخر قرآن حاوی علائم اختصاری و رموز و نشانه‌های فراوانی هستند. در نسخ خطی ایرانی (قرآنی و غیر قرآنی)، نشانه‌ها و رموز فراوان به کار رفته‌اند، که گاه این رموز، نشانه‌هایی تقریباً عمومی هستند و معمولاً در بسیاری از نسخه‌ها معنایی یکسان دارند. مثلاً حرف "ض" رمز از بیاض است؛ برای اینکه نشان دهند این بخش از نسخه سفید و خالی است و قرار هم نیست بعداً نوشته شود. یا "ح" رمز است از صح. اما بسته به متن مکتوب در نسخه، معنای این علائم می‌تواند تغییر کند. به عنوان مثال همین "ح" اگر در کتب حدیث باشد ممکن است رمز از حیلولة باشد. یا "خ" که اصولاً نشانه مؤخر بودن است در کتب حدیث رمز است از صاحب صحیح بخاری. نمونه دیگر حرف "ق" است که باز هم بسته به متن مکتوب در نسخه، معنای این علامت تغییر می‌کند. به عنوان مثال "ق" در کتب هیئت رمز احتراق و در کتب حدیث رمز از اصحاب امام صادق و در برخی کتب رمز از قرائت است؛ مثلاً "ق" عاصم، یعنی قرائت عاصم؛ گاه نیز رمز از قاموس مجدالدین فیروز آبادی است. این رموز همیشه تک حرف نیستند، گاهی نیز دو حرفی هستند. مثلاً "دی" رمز است از اصحاب امام هادی یا "گر" رمز است از اصحاب امام عسکری. یا مثلاً "خ م" رمز است از مقدم و مؤخر یعنی پس و پیش شدن.

اما در دست‌نویس‌های قرآنی، داستان از این قرار نیست. نشانه‌ها و رموز تا حد زیادی منحصر به فرد هستند و پژوهنده نسخ خطی قرآن نبایستی این نشانه‌ها را به معنای معمول آن در دیگر نسخ خطی فارسی یا عربی غیر قرآنی فهم کند. کاتبان نسخه‌های قرآنی به تبعیت از امام شاطبی در قصیده شاطبیه حرز الامانی و وجه التهنانی برای هر قاری و هر روای آن قاری، یک حرف از حروف ابجد در نظر گرفته‌اند، که ترکیب آن‌ها می‌تواند نشان دهنده قرائت مربوط به یک قاری از طریق یک یا هر دو راوی وی باشد:

مثلاً حرف "ا" برای نافع و حروف "ب" و "ج" به ترتیب برای قالون و ورش قرار داده شده است. بنابراین رمز "ابج" نشان دهنده قرائت مربوط به نافع از طریق هر دو راویش یعنی قالون و ورش است. در برخی از مصاحف به گذاشتن علائم اختصاری برای قاریان هفت‌گانه بسنده شده و در برخی دیگر این علائم برای قاریان ده‌گانه در نظر گرفته شده است. در جدول ۱، رموز مربوط به قاریان ده‌گانه و راویانشان آمده است.

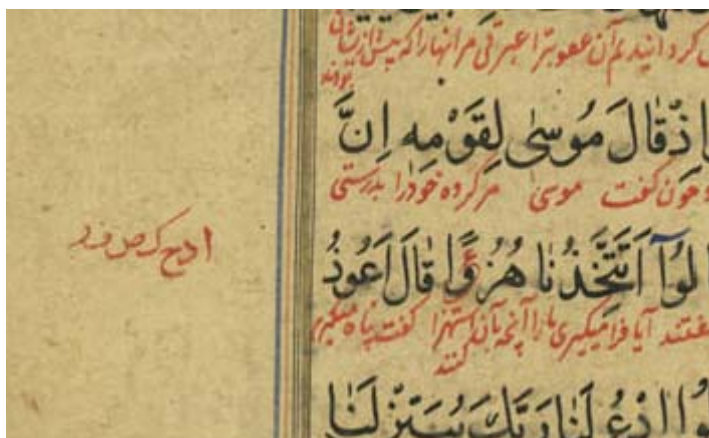
جدول ۱. رموز اسامی قاریان ده‌گانه و راویان ایشان

نافع: "ا"	قالون: "ب"	ورش: "ج"	نافع و هر دو راوی: "ابج"
ابن کثیر: "د"	بزی: "ه"	قنیل: "ز"	ابن کثیر و هر دو راوی: "دَهَز"
ابوعمر: "ح"	دوری: "ط"	سوسی: "ی"	ابوعمر و هر دو راوی: "حُطَى"
ابن عامر: "ک"	هشام: "ل"	زکوان: "م"	ابوعمر و هر دو راوی: "کَلَم"
عاصم: "ن"	ابوبکر شعبه: "ص"	حفص: "ع"	عاصم و هر دو راوی: "نَصَع"
حمزه: "ف"	خلف: "ض"	خلاد: "ق"	حمزه و هر دو راوی: "فَضَقْ"
کسائی: "ر"	لیث: "س"	دوری: "ت"	کسائی و هر دو راوی: "رَسَتْ"
ابوجعفر: "ث"	عیسی: "ح"	ابن جماز: "د"	ابوجعفر و هر دو راوی: "ثُخَذ"
یعقوب: "ط"	رویس: "غ"	روح: "س"	یعقوب و هر دو راوی: "طَغْس"
خلف: "ه"	اسحاق: دو نقطه کنار هم: "ه"	ادریس: یک دایره کوچک: "ه"	

علاوه بر موارد فوق علائم بیشتری نیز مربوط به اتفاق قاریان یا قرائت مناطق مختلف در برخی از قرآن‌ها دیده می‌شود که بعضاً در ابتدا یا انتهای برخی از نسخه‌های خطی قرآن شرح آن‌ها آمده است:

جدول ۲. رموز مربوط به اتفاق قاریان

ث	کوفیون
خ	شش قاری غیر از نافع
ذ	کوفیون و شامی
ظ	کوفیون و مکی
غ	کوفیون و بصری
ش	دو کوفی غیر از عاصم
حَصَن	کوفیون و مدنی (کوفیون و نافع)
حَرَمی	مکی و مدنی (حرم: نافع و ابن کثیر و ابو جعفر)
عَمَّ	شامی و مدنی (نافع و ابن عامر و ابو جعفر)
حق	مکی و بصری (ابن کثیر و ابو عمرو و یعقوب)
سَمَا	مکی و بصری و مدنی (دو قاری مدینه، دو قاری بصره و ابن کثیر)
نَقَر	مکی و بصری و شامی
صَحَبَه	حمزه و کسائی و ابوبکر
صَحَاب	حمزه و کسائی و حفص
کفا	کوفیون شامل عاصم و حمزه و کسائی و خلف
شفا	حمزه و کسائی و خلف
صحاب	حمزه و کسائی و حفص و خلف
رضی	حمزه و کسائی
روی	کسائی و خلف
صفا	خلف و ابوبکر
ثوی	ابو جعفر و یعقوب
مدا	مدنیان (نافع و جعفر)
حما	بصریان (ابو عمرو و یعقوب)
کنز	کوفیون و ابن عامر



نشان دادن قرائت مربوط به شعبه در متن به رنگ قرمز در نسخه شماره ۳ کتابخانه مجلس؛ افزون بر این در حاشیه نسخه با علائم اختصاری نشان داده شده است که کدامیک از قاریان دیگر با شعبه در آن قرائت همراهی کرده‌اند.



نشان دادن تمامی اختلاف قرائات با حروف اختصاری، در حاشیه مصحف در نسخه شماره ۱۰۷۸ مجلس.

در جدول شماره ۳ فهرستی از ۴۲ قرآن دست‌نویس به همراه مشخصات اولیه و قرائت اصلی و در صورت وجود، قرائت‌های دیگر ثبت شده در مصحف، آمده است. لازم به ذکر است که ثبت اختلاف قرائت در این نسخه‌ها بیشتر به وسیله استفاده از رنگی متفاوت (معمولاً رنگ قرمز)، در متن و همچنین آوردن علائم اختصاری مربوط به نام قاری در حاشیه صورت گرفته است. هر جا که شیوه ثبت اختلاف قرائت در پانویس ذکر نشده، شیوه همان استفاده از رنگی دیگر در متن بوده است.

جدول ۳.

شماره نسخه	محل نگهداری	تاریخ	نام کاتب	قرائت اصلی	قرائت (ها) دیگر
۱	کتابخانه مجلس	۹۵۵ ق	علاء الدین تبریزی	حفص	شعبه
۲	موزه ملک	۱۱۳۹ ق	محمد هاشم بن محمد باقر اصفهانی	حفص	شعبه
۳	موزه ملک	احتمالاً تیموری	--	حفص	شعبه
۴	کتابخانه مجلس	۱۰۰۹	حیدر علی	حفص	شعبه
۵	کتابخانه مجلس	۱۰۸۷	حافظ محمد بن ملا مهر علی	حفص	شعبه
۶	کتابخانه وزارت خارجه	۹۷۱	اسدالله بن محمد الکاظمی	حفص	شعبه
۷	کتابخانه وزارت خارجه	احتمالاً قرن ۱۱	--	حفص	شعبه
۸	کتابخانه وزارت خارجه	تاریخ وقف ۱۲۲۱	--	حفص	شعبه
۹	کتابخانه ملی ایران	احتمالاً قرن ۱۰	--	حفص	شعبه
۱۰	کتابخانه مجلس	۱۰۸۴	(ترجمه شده برای شاه سلیمان صفوی)	حفص	شعبه
۱۱	کتابخانه اسمیخان سلطان-ترکیه ^۱	--	--	حفص	شعبه
۱۲	کتابخانه مجلس	۹۷۷	حسن بن حسن محمد بن علی الخانیساری	حفص	شعبه ^۲

۱. این نسخه، حاوی دعای ختم و فال‌نامه فارسی است.

۲. در کنار قرائت مشخص شده مربوط به شعبه، با علائم اختصاری نشان داده شده است که کدام‌یک از دیگر قاریان نیز به این قرائت خوانده‌اند. در انجامه نیز ذکر شده که مصحف به هر دو روایت حفص و بکر کتابت شده است.

شعبه ^۲	حفص	محمد قاسم بن محمد بن محمد قاسم القاری ^۱	۱۰۳۴	کتابخانه مجلس	۱۲۱۷۴	۱۳
شعبه	حفص	احمد نیریزی ^۲	۱۱۲۲	کتابخانه مجلس	۲	۱۴
شعبه	حفص	--	--	کتابخانه مجلس	۱۰۴۳	۱۵
شعبه	حفص	--	۱۱۰۱	کتابخانه ملی	۱۰۶۸۶۶۴ ۴	۱۶
شعبه	حفص	نورالدین محمد	۱۰۹۹	کتابخانه مجلس	۱/۱۶۴۲ ش ۱۴۹۷	۱۷
شعبه	حفص	--	۱۰۱۷	موزه قرآن	شماره ۰۱۶	۱۸
شعبه	حفص	--	تاریخ وقف و ۱۰۲۸ ۱۰۶۶	کتابخانه دانشگاه کمبریج	Nn.3.75	۱۹
شعبه	حفص	--	--	کتابخانه سلطان احمد-ترکیه	۱	۲۰
شعبه	حفص	شمس الدین عبدالله	احتمالاً قرن ۱۱	کتابخانه دانشگاه پرینستون	P. Hitti, Garrett coll., 1159. ^۷	۲۱
شعبه	حفص	--	۱۱۰۰	کتابخانه ملی آلمان	Diez A oct. 171 ^۸	۲۲
شعبه	حفص	--	--	کتابخانه مجلس ^{۱۰}	۳۵۹ ^۹	۲۳
شعبه و این کثیر به هر دو روایت ^{۱۱}	حفص	--	۱۱۲۴ ق	کتابخانه دانشگاه اصفهان	۵۸۰	۲۴

۱. این نسخه حاوی صلوات شیعی است.

۲. در انجامه هم ذکر شده که مصحف به هر دو روایت حفص و شعبه است. علاوه بر رنگ قرمز در متن حرف "ص" در حاشیه نیز اشاره به ابوبکر شعبه دارد.

۳. این نسخه حاوی دعای قبل از تلاوت از حضرت ائمه است.

4. <http://dl.nlai.ir/UI/7d9314a7-f3e6-4dac-a0c2-eeb5f5f468fd/LRRView.aspx>.

5. http://dlib.ical.ir/faces/search/digitalresources/searchContentDownloadConfirmationPage.jspx?_afPfm=1517dv3cvb.

6. <https://cudl.lib.cam.ac.uk/view/MS-NN-00003-00075/15>.

7. <http://publ.princeton.edu/objects/2r36tx59x>.

8. https://digital.staatsbibliothek-berlin.de/werkansicht/?PPN=PPN769984525&PHYSID=PHYS_0006.

9. http://dlib.ical.ir/faces/search/digitalresources/searchContentDownloadConfirmationPage.jspx?_afPfm=-198d5dhtgg.

۱۰. گرچه نام و نشان کاتب مشخص نیست، اما شواهدی چون نقل از "شاه اولیا علی مرتضی"، صلوات شیعی، دعای ختم قرآن و فال‌نامه فارسی نشان از شیعی و ایرانی بودن کاتب دارد.

۱۱. اختلاف قرائت در حاشیه با علائم اختصاری ثبت شده‌اند.

شعبه (در برخی از موارد)	حفص	محمد ابراهیم (قمی) ^۲	۱۱۰۲	کتابخانه ملی	۸۰۷۶۹۳ ^۱	۲۵
شعبه	حفص	پیرنور محمد بن احمد	۹۴۱	کتابخانه ملی	۱۱۴۳۵۹۷ ۳	۲۶
شعبه	حفص	-	احتمالاً قرن ۱۰ ^۵	کتابخانه ملی	۱۶۳۸۲۹۴ ۴	۲۷
شعبه	حفص	--	--	کتابخانه وزارت خارج	۱۴	۲۸
--	حفص ^۷	--	۹۹۲	کتابخانه ملی	۸۰۸۳۰۱ ۶	۲۹
تمامی اختلاف قرائت ^۹	حفص	روزب هان محمد الکاتب	۹۳۹	کتابخانه ملی	۸۱۲۷۱۴ ۸	۳۰
	شعبه	--	--	کتابخانه سلطان احمد	۵	۳۱
گاه حفص ^{۱۱}	شعبه	صمد فولادین حاجی محمد سارختی ^{۱۰}		کتابخانه ملی	۱۲۷۲۹۷۲	۳۲
شعبه	حفص	عبدالصمد موسوی ^{۱۳}	۱۱۱۵	کتابخانه ملی	۲۷۵۶۹۳۱ ۱۲	۳۳
شعبه و ابن کثیر ^{۱۵}	حفص	محمد محسن اصفهانی	۱۱۴۱	کتابخانه ملی	۸۰۶۷۱۶ ۱۴	۳۴

1. <http://dl.nlai.ir/UI/38ef7715-2dc8-4788-a8cc-f12c413dc0af/LRRView.aspx>.
۲. احادیث ائمه در فضیلت سوره در حاشیه دیده می‌شوند.
3. <http://dl.nlai.ir/UI/d0be58f8-0419-4ca8-b72f-fb6964fa3996/LRRView.aspx>.
4. <http://dl.nlai.ir/UI/2df83238-0bfe-4f93-8752-208be4677209/LRRView.aspx>.
۵. این نسخه حاوی دعای ختم قرآن و فال‌نامه است که ایرانی بودن آن را نشان می‌دهد.
6. <http://dl.nlai.ir/UI/85a82a86-ae51-42ae-b68a-53d0ca9d779a/LRRView.aspx>.
۷. این مصحف فاقد توضیح و حاشیه است و نشانی از تشیع کاتب در آن نمی‌توان یافت.
8. <http://dl.nlai.ir/UI/808d8ced-8434-4188-9cda-a545d886fbec/LRRView.aspx>.
۹. اختلاف قرائت در متن به رنگ قرمز و علائم اختصاری در حاشیه مشخص شده‌اند. احادیث ائمه نیز در حاشیه آمده‌اند.
۱۰. کاتب احتمالاً اهل تشیع است؛ چراکه نسخه حاوی صلوات و دعای ختم شیعی است.
۱۱. گاه به قرائت حفص در حاشیه اشاره شده است.
12. <http://dl.nlai.ir/UI/319405ec-2be0-4254-b783-3b5da0b64cb1/LRRView.aspx>
۱۳. در این نسخه احادیث ائمه در حاشیه به فارسی آمده است.
14. <http://dl.nlai.ir/UI/61700bf9-5c08-4ca7-9478-c33a66510470/LRRView.aspx>.
۱۵. اختلاف قرائت مربوط به شعبه در متن به رنگ دیگر وارد شده، اما اختلاف قرائت مربوط به ابن کثیر در حاشیه با کمک علائم اختصاری نشان داده شده است.

شعبه (اکثراً)	حفص (اکثراً)		احتمالاً قرن ۱۰	کتابخانه ملی	۸۰۶۲۱۷ ۱	۳۵
تمامی اختلاف قرائت ^۲	حفص	محمد حسن بن محمد قاسم العطار الخوانساری	۱۱۰۹	کتابخانه ملی	۸۰۶۲۴۹	۳۶
تمامی اختلاف قرائت ^۳	حفص	محمد الکاتب روزبهان	۹۳۹	کتابخانه مجلس	شماره ۸۱۲۷۱۴	۳۷
تمامی اختلاف قرائت ^۴	حفص	--	احتمالاً قرن ۱۰	کتابخانه مجلس	شماره /۱۰۷۸ ۱۰۹۹	۳۸
--	حفص	احمد نیریزی	۱۰۳۲	کتابخانه دانشگاه تهران	شماره ۴۹۰۲	۳۹
--	حفص	--	احتمالاً قرن ۱۱	کتابخانه وزارت خارج	شماره ۲۳	۴۰
ابوجعفر اشع به ^۷	حفص		۱۰۷۹ ^۶	کتابخانه ملی	۱۷۷۸۱۳۲ ۵	۴۱
شعبه و مواردی از قاریان دیگر	حفص	علی رضا بن محمد حسین ^۹	۱۰۷۸	کتابخانه ملی	۲۱۸۵۶۴۷ ۸	۴۲

بررسی این ۴۲ قرآن به طور نمونه تا حدودی می‌تواند نشان دهنده غلبه قرائت مطلوب در ایران آن دوران باشد. آن چنانکه از فهرست فوق مشخص است، اکثر قرآن‌ها اساساً بر مبنای قرائت حفص از عاصم کتابت شده‌اند، اما روایت ابوبکر شعبه بن عیاش از عاصم نیز در متن ذکر شده است. از جامعه آماری فوق حدود ۸۰ درصد از مصاحف به

1. <http://dl.nlai.ir/UI/55670e5e-6305-4cb4-889b-db7b26bea189/LRRView.aspx>.

۲. اختلاف قرائت در متن با علائم اختصاری ثبت شده‌اند.

۳. اختلاف قرائت در متن و حاشیه با علائم اختصاری ثبت شده‌اند.

۴. اختلاف قرائت با علائم اختصاری ثبت شده‌اند.

5. <http://dl.nlai.ir/UI/874f803b-7f8c-4523-aa2b-0acc59b2c3a9/LRRView.aspx>.

۶. این نسخه حاوی صلوات شیعی است.

۷. در این مصحف به دور همزه‌ها دایره قرمز کشیده شده است که نشان دهنده قرائتی است که مهموز نیست و همچنین اعراب قرمز رنگ به صورت "علیهم" بسیار در این مصحف تکرار شده است. این دو از ویژگیهای قرائتی شعبه نیستند.

8. <http://dl.nlai.ir/UI/2c57d990-63e7-4eaa-9383-233efca506e2/LRRView.aspx>.

۹. کاتب این نسخه ساکن شهرری (شاه عبدالعظیم) است. وی در حاشیه نسخه خواص و فضائل سوره‌ها را ذکر کرده است.

دو روایت حفص و ابوبکر شعبه کتابت شده‌اند (حدوداً ۳۰ تا ۳۲ مورد از ۴۲ مصحف مورد بررسی) که در این میان قرآن رسمی ترجمه شده برای شاه سلیمان صفوی نیز به هردو روایت ابوبکر شعبه و حفص از عاصم است. در تعدادی از مصاحف نیز، بازهم متن اصلی بر مبنای روایت حفص از عاصم است، اما کاتبان به ذکر تمامی اختلاف قرائات اهتمام ورزیده‌اند. در جدول فوق تنها سه قرآن فقط به روایت حفص از عاصم کتابت شده‌اند.

اما نکته جالب، وجود قرآن‌هایی است که اساساً بر مبنای روایت ابوبکر شعبه بن عیاش از عاصم کتابت شده‌اند. یعنی اساسی کار کاتب تنها روایت شعبه از عاصم بوده است. در دو مورد نیز روایت شعبه، مبنای اصلی کتابت مصحف است و روایت حفص به عنوان قرائت ثانویه به رنگ قرمز نشان داده شده است (قرآن شماره ۱۴ کتابخانه تخصصی وزارت خارجه و نسخه شماره ۱۲۷۲۹۷۲ کتابخانه ملی).

در موارد معدودی نیز علاوه بر قرائت دو راوی عاصم، به قرائت ابن کثیر نیز اشاره شده است.

این آمار به خوبی نمایانگر محبوبیت قرائت ابوبکر شعبه بن عیاش در آن دوران پایه-پای قرائت حفص از عاصم است.

ثبت روایت ابوبکر شعبه بن عیاش از عاصم را در نسخه‌های سالیان بعدتر نیز می‌توان دید. مثلاً نسخه شماره Is1558، کتابخانه چستربیتی، به خط روزبهان محمد الطبعی الشیرازی، به تاریخ حدود ۱۵۳۵ هجری، بازهم اساساً بر مبنای قرائت حفص از عاصم کتابت شده، اما قرائت ابوبکر شعبه بن عیاش از عاصم به عنوان دومین قرائت به رنگ قرمز در موارد اختلاف مشخص شده است.

نکته مهم در ثبت قرائت دوم در مصاحف آن است که این قرائت دوم حتی اگر به نظر قرائت ابوبکر شعبه بن عیاش بیاید، اما در مصاحف مختلف اندکی با هم تفاوت می‌کنند. مثلاً در برخی نسخه‌ها "ام یقولون" در بقره ۱۴۰ به عنوان قرائت دوم بعد از "ام تقولون" به رنگ قرمز مشخص شده، اما در نسخه‌های دیگر اشاره‌ای به چنین قرائتی از شعبه نشده است.

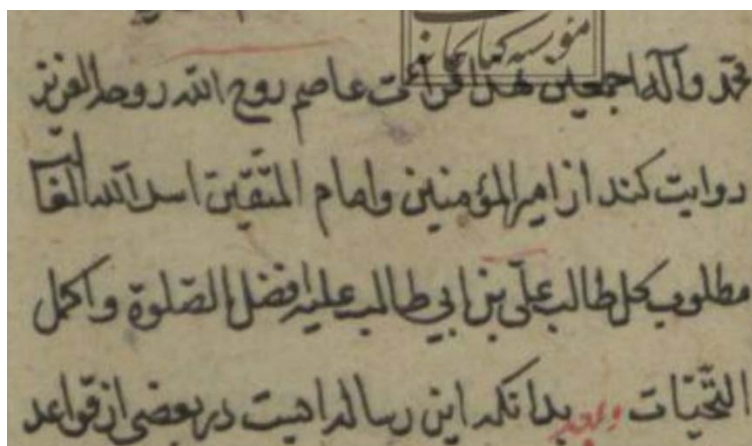
مورد مهم دیگر آن است که در برخی نسخه‌ها با وجود آنکه در نگاه اول به نظر می‌رسد که اعراب قرمز رنگ مصحف، روایت شعبه را نشان می‌دهد، اما مواردی وجود دارد که متعلق به شعبه نیست، بلکه می‌تواند متعلق به کسانی چون ابن عامر یا ابوعمر و باشد (به عنوان مثال: "یعملون" در آیه ۱۴۹ بقره و "نسیخ" در آیه ۱۰۶ بقره در نسخه)

شماره ۲۱۸۵۶۴۷ کتابخانه ملی). در نسخه شماره ۸۰۶۲۱۷ کتابخانه ملی نیز به نظر می‌رسد، اساس نسخه روایت حفص از عاصم باشد و قرائت دوم به رنگ قرمز از آن شعبه باشد. اما این نیز صد در صدی نیست. در برخی موارد روایت شعبه اصل قرار گرفته است و روایت حفص با رنگ قرمز مشخص شده است: به عنوان مثال "هزؤا" در آیه ۶۷ بقره و "عهدی" در آیه ۱۲۴ بقره. در موارد معدودی این تفاوت به حدی است که قرائت را به جز شعبه به شخص دیگری نیز نزدیک می‌کند. مثلاً در خصوص نسخه‌های شماره ۱۷۷۸۱۳۲ و ۲۱۸۵۶۴۷ کتابخانه ملی ایران، قرائت دوم مشخص شده در متن، علاوه بر اینکه شباهت بسیاری به قرائت شعبه نشان می‌دهد، اما مواردی از قرائت ابوجعفر نیز در متن مشخص شده است. در این نسخه تعیین اینکه دقیقاً چه قرائتی مد نظر بوده است، دشوار می‌نماید. حتی در برخی موارد ثبت اصلی نسخه بر اساس روایت حفص نیز دقیقاً مطابق آنچه که ما امروزه از قرائت حفص می‌شناسیم نیست. مثلاً در نسخه ۲۱۸۵۶۴۷ کتابخانه ملی ایران، در آیه ۲۳۱ بقره "هزوءاً" به رنگ سیاه مطابق با قرائت شعبه ثبت شده است نه حفص، در حالی که به نظر می‌رسد، اساس مصحف بر مبنای روایت حفص است. بنابراین در ثبت قرائت در نسخه، گاه شاهد آشفتگی‌هایی هستیم.

مستندات از قرائت مطلوب ایرانیان

علاوه بر نسخه‌های خطی قرآنی که رواج قرائت عاصم به هر دو روایت حفص و شعبه را در میان ایرانیان نشان می‌دهند، مستندات غیر قرآنی دیگری نیز یافت می‌شوند که این نتایج را تأیید می‌کنند: از آن جمله می‌توان به رساله قاری نامدار قرن دهم هجری، ابن علی استرآبادی مازندرانی، ملقب به عمادالدین اشاره کرد. وی معاصر شاه طهماسب صفوی (زنده در سال ۹۹۵ هـ.ق) بوده است و صاحب تألیفاتی چند در علوم اسلامی و به ویژه قرآنی است. عمادالدین استرآبادی در رساله‌ای که در باب قرائت عاصم نگاشته است و نسخه‌ای از آن در موزه ملک به شماره اموال ۱۳۹۳،۰۴،۰۶۲۰۰/۰۰۸ محفوظ است، در خصوص عاصم چنین آورده است: "هذا قراءة عاصم روح الله العزيز روایت کند، از امیرالمؤمنین و امام المتقین اسد الله الغالب مطلوب کل طالب علی بن ابی طالب علیه افضل الصلوة و اکمل التحیات."^۱

۱. (نک: نسخه خطی، رساله در قرائت عاصم، عمادالدین استرآبادی، نسخه شماره ۱۳۹۳،۰۴،۰۶۲۰۰/۰۰۸، موزه ملک).



برگه‌ای از رساله ابن علی استرآبادی در قرائت عاصم در موزه ملک

این جملات به وضوح نشان می‌دهد که قاری نامداری همچون عماد الدین استرآبادی در ابتدای دوران صفویه، قرائت عاصم را به عنوان قرائت روایت شده از امیرالمؤمنین علی(ع)، که نزد شیعه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است پذیرفته است. مورد دیگری که باید به آن اشاره کرد، کتاب *تحفة القراء* یا *تحفظ القاری* اثر مصطفی بن ابراهیم قاری است که احتمالاً بین سال‌های ۱۰۰۷ تا ۱۰۸۰ هـ.ق می‌زیسته است.^۱ کتاب *تحفة القراء* رساله‌ای است در تجوید قرآن بر مبنای قرائت عاصم. نسخه‌ای از این کتاب در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره IR10-35536 محفوظ است. مؤلف^۲ در مقدمه کتاب، دلیل اینکه اقدام به تألیف کتابی در باب قرائت عاصم کرده است را این‌گونه بیان می‌کند که "چون قرائت بیشتر اوقات بر قرائت عاصم است...";^۳ بازهم چنین اظهاراتی در ابتدای قرن یازدهم هجری قمری نشان می‌دهد که قرائت عاصم، احتمالاً به روایت هر دو راوی او قرائتی غالب در میان ایرانیان بوده است.

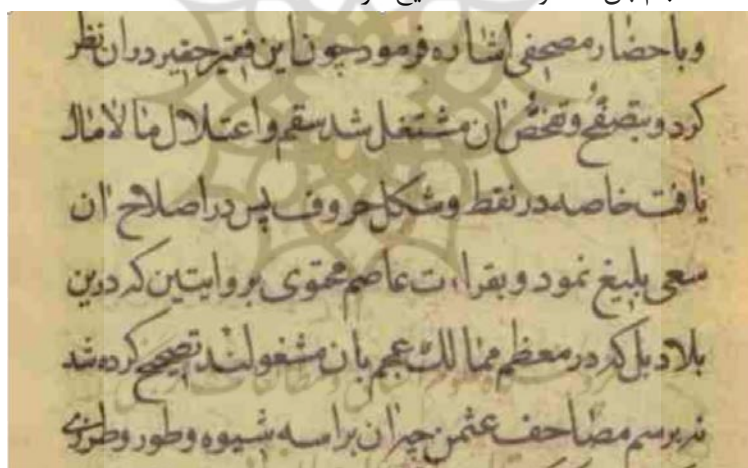
۱. در نسخه شماره IR4370 مجلس شورای اسلامی از این کتاب مؤلف اظهار می‌دارد که در سال ۱۰۶۷

در مسجدالحرام تألیف کتاب را آغاز کرده و در سال ۱۰۶۸ در مسجدالنبی، به اتمام رسانده است.

۲. ملامصطفی تبریزی کتابی دیگر در قرائت عاصم دارد به نام *ارشاد القاری* که آن را در ۱۰۷۸ تألیف کرده است.

۳. نسخه خطی، *تحفة القراء* یا *تحفظ القاری*، مصطفی بن ابراهیم قاری، نسخه شماره IR10-35536، کتابخانه مجلس شورای اسلامی.

مستندات و شواهد دیگری به وضوح از رواج هر دو روایت عاصم، یعنی روایت‌های حفص و شعبه در ایران خبر می‌دهند. یکی از مهم‌ترین این مستندات کتاب منهل العطشان تألیف حافظ اصفهانی است. در مقدمه نسخه‌ای از این کتاب که به شماره ۱۱۰۲۷۶۷ در کتابخانه ملی ایران محفوظ است، نویسنده یعنی حافظ ابوالحسن فخرالدین طاهر بن عرب بن ابراهیم بن احمد اصفهانی،^۱ شرح می‌دهد که پس از ترک اصفهان و سفر به هرات، مشاهده می‌کند، برخی قرآن‌ها و سی‌پاره‌های این شهر، اشتباهات بسیاری در اعراب، رسم‌الخط، شمار آیات و سرسوره‌ها و تقسیمات آیات دارد. پس از حضور در بارگاه ابوالنصر شاهرخ بهادر سلطان، این مسئله را یادآور می‌شود و درخواست می‌کند، قرآنی برای تصحیح این گونه اشتباهات، در اختیار او بگذارند، تا آن قرآن پس از اصلاح، اساس استنساخ دیگر نسخه‌های قرآن قرار گیرد. قرآنی که بدین منظور در اختیار او قرار می‌دهند، اشتباهات زیادی به خصوص در نقطه‌ها و شکل حروف داشته است. حافظ اصفهانی در سفر به هرات تصریح می‌کند که قرآن را به قرائت عاصم به هر دو روایتش "که در این بلاد (یعنی هرات که دار السلطنه بوده است) و بلکه در معظم ممالک عجم بان مشغولند"^۲ تصحیح کرده است.^۳



تصویری از مقدمه نسخه منهل العطشان به شماره ۱۱۰۲۷۶۷ در کتابخانه ملی ایران

۱. وی عالم، محدث، قاری، محقق و از اساتید تجوید و قرائت در اصفهان بوده، کتب عدیده در فن تجوید تألیف نموده، و عده‌ای کثیر شاگرد تربیت نموده، و جهت برخی از آن‌ها اجازه نوشته است.

۲. مشاهده این نسخه از سایت زیر امکان پذیر است:

<http://dl.nlai.ir/UI/5dbc7d03-493e-434c-82f4-1b168c1c582c/LRRView.aspx>

۳. نسخه خطی، منهل العطشان فی رسم احرف القرآن، طاهر بن عرب بن ابراهیم اصفهانی (حافظ قاری ابوالحسن فخرالدین)، نسخه شماره ۱۱۰۲۷۶۷، کتابخانه ملی ایران.

آنچه بازهم اهمیت روایت شعبه در کنار روایت حفص را در ایران آن دوران نشان می‌دهد، تألیف تفاسیری در این دوران است که اساس آن‌ها متن قرآن به روایت ابوبکر شعبه از عاصم بوده است.

اندکی پیش از آغاز عصر صفویه، طی سال‌های ۸۹۷ - ۸۹۹ هـ.ق ملا حسین واعظ کاشفی در گذشته به سال ۹۱۰ هـ.ق اقدام به نگارش تفسیر معروف به «مواهب علیّه» یا «تفسیر حسینی» که گاه به عنوان «تفسیر ملا» هم شناخته می‌شود، می‌کند که اساس کار او متن قرآن مطابق با قرائت ابوبکر شعبه بن عیاش است (برای تفصیل نک: ایازی و ...، ۲۱ و ۲۲). بازهم در اوج روند دگرگونی مذهبی در ایران، عالم و مفسر مشهور ایرانی به نام ملا فتح الله کاشانی (ت ۹۸۸ هـ.ق)، دست به نگارش تفسیری به نام منهج الصادقین می‌زند^۱ که اساس آن متن قرآن به روایت شعبه از عاصم است (ستوده‌نیا، ۷؛ ایازی و ...، ۲۳).

هرچند تفاسیر متعددی در این دوران به رشته تحریر درآمده‌اند که قرائت مرجّحی را نشان نمی‌دهند^۲ اما در این میان وجود تفاسیری که به طور ویژه، بر مبنای روایت شعبه از عاصم تألیف شده‌اند، موقعیت ممتاز این قرائت را نزد عالمان و به ویژه مفسران ایرانی در آن روزگار نشان می‌دهد.

نتیجه‌گیری

آثار به جامانده از ایرانیان نشان می‌دهد که پس از حمله مغول به ایران و پایان دوران درخشش و تأثیرگذاری ایرانیان در حوزه دانش قرائات، محافل قرائی در ایران هرگز نتوانست، هم‌چون گذشته محافل مستقل و پیش‌رو باشد، بلکه کتب تألیف شده در حوزه قرائات عمدتاً در پی تبیین قرائات رسمی تثبیت شده در خارج از ایران بوده است. با این حال می‌توان گفت که ایشان در انتخاب قرائت مرجّح خود و ثبت آن در مصاحف‌شان تا حدودی مستقل عمل کرده‌اند.

بررسی شمار زیادی از مخطوطات قرآنی به جامانده از ایرانیان در دوران صفویه و

۱. بنابر اظهار مؤلف بخشی از این تفسیر در سال ۹۸۴ هـ.ق به پایان رسیده است.

۲. به عنوان نمونه ملا فتح الله کاشانی در تفسیر دیگرش به نام «زبدۀ التفاسیر» قرائت مرجّحی را نشان نمی‌دهد و تلاش می‌کند که تمام اختلاف قرائات ده‌گانه را ذیل هر آیه ذکر کند (نک: دولتی، ایازی، حجتی، ۲۳-۲۵).

اندکی پس و پیش از آن، نمایاند که هرچند ایرانیان در ترجیح قرائت عاصم بر دیگر قاریان، با عثمانیان هماهنگ عمل کرده‌اند، اما در میان راویان عاصم ترجیح مطلق بر روایت حفص نبوده است. نه تنها که حضور پررنگ روایت ابوبکر شعبه از عاصم به عنوان دومین قرائت مطلوب ایشان در بسیاری از قرآن‌های خطی دیده می‌شود، بلکه گاه روایت او به عنوان روایت اصلی و مرجح بر روایت حفص در قرآن‌ها ثبت شده است. چنین رویکردی را مستندات غیر قرآنی همچون: مقدمه رساله عماد الدین استرآبادی؛ تحفة القراء یا تحفظ القاری اثر مصطفی بن ابراهیم قاری و منهل العطشان اثر حافظ اصفهانی تأیید می‌کنند. علاوه بر این‌ها مترجمان و مفسران ایرانی قرآن نیز به وفور در ترجمه‌ها و تفاسیر خود روایت شعبه از عاصم را متن قرار داده و آن را ترجمه و تفسیر کرده‌اند. همه این موارد خبر از اهمیت روایت ابوبکر شعبه پایه‌پای روایت حفص نزد ایرانیان روزگار صفویه دارد.



منابع

۱. ابن الجزری، محمد بن محمد، *غایة النهایة فی طبقات القراء*، تحقیق: جمال‌الدین محمد شرف و مجددی فتحی‌السید؛ طنطا، دار الصحابة للتراث، ۲۰۰۹م.
۲. ابن مهران، احمد بن حسین، *الغایة فی القراءات العشر*، تحقیق: احمد فرید المزیدی، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۲۰۰۷م.
۳. ابن ندیم، ابوالفرج محمد بن ابی یعقوب اسحق، *کتاب الفهرست للندیم*، تحقیق: رضا تجدد، تهران، بی‌نا، بی‌تا.
۴. ایازی، سید محمدعلی؛ حجتی، سید محمدباقر؛ پارچه باف دولتی، کریم، "نقش قراآت قرآن در ترجمه و تفاسیر ایرانی در قرن دهم هجری قمری"؛ فصلنامه علمی- پژوهشی تحقیقات علوم قرآن و حدیث، دانشگاه الزهراء، سال دوازدهم، شماره ۱، پیاپی ۲۵، بهار ۱۳۹۴.
۵. جزری، محمد بن محمد، *النشر فی القراءات العشر*، جزری، تحقیق: علی محمد ضباع، بیروت، دار الکتب العلمیة، بی‌تا.
۶. حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله، مقدمه: شهاب‌الدین مرعشی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
۷. خزاعی، ابی‌الفضل محمد بن جعفر، *المنتهی و فیه خمس عشرة قراءة*، تحقیق: محمد شفاعت ربانی، مدینه منوره، مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، ۱۴۳۴هـ.ق.
۸. دانی، عثمان بن سعید، *کتاب التیسیر فی القراءات السبع*، تصحیح: اوتو پرتزل، دار الکتب العلمیة، بیروت، منشورات محمد علی بیضون، ۲۰۰۵م.
۹. ذهبی، محمد بن احمد، *سیر الاعلام النبلاء*، تحقیق: شعیب ارنؤوط، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۹۹۴م.
۱۰. -----، *معرفة القراء الکبار علی الطبقات و الأعصار*، تحقیق: طیار آلتی قولاج، استانبول، مرکز البحوث والاسلامیة التابع لوقف الديانة التركي، ۱۴۱۶هـ.ق.
۱۱. رافعی قزوینی، عبدالکریم بن محمد، *التدوین فی اخبار قزوین*، تحقیق: عزیزالله عطاردی قوچانی، بیروت، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، ۱۳۶۵هـ.ش.
۱۲. رحمتی، محمد کاظم، "اندرابی و کتاب الايضاح فی القراءات: متنی کهن از کرامیان خراسان"، *آینه میراث*، دوره جدید سال دوم، شماره چهارم، پیاپی ۲۷، زمستان ۱۳۸۳.
۱۳. ستوده نیا، محمدرضا، "نگرشی بر قراآت عاصم به روایت شعبه و تأثر آن بر تفسیر شیعی در عهد صفویه"، *مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان*، جلد چهاردهم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۱.
۱۴. شاطبی، قاسم بن فیره، *حزب الامانی و وجه التهان فی القراءات السبع*، قاهره، مکتبة الازهر الشريف، ۲۰۰۱م.
۱۵. مقدسی، شمس‌الدین محمد بن احمد، *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم*، لایدن، بریل، ۱۸۷۷م.
۱۶. موسوی بجنوردی، کاظم، *تاریخ جامع ایران*، جلد ۱۴، "تاریخ علوم قرآن و حدیث در ایران"، احمد پاکتچی، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۹۳هـ.ش.
۱۷. مؤلف ناشناخته، *تاریخ سیستان*، تحقیق: محمد تقی بهار، تهران، پدیده خاور، ۱۳۶۶هـ.ش.

۱۸. وحیدنیا، آلاء. "ملاحظات در تصحیح مخطوطات کهن قرآنی بر مبنای شیوه کارل لاکمان در تصحیح متون"، *دوفصلنامه تاریخ و تمدن اسلامی*، دوره ۱۵، ۱ (پیاپی ۲۹)، بهار و تابستان ۱۳۹۸.
۱۹. هذلی، یوسف بن علی بن جبارة ابن محمد بن عقیل، *الکامل فی القراءات العشر و الاربعین الزائده علیها*، تحقیق: جمال بن السید بن رفاعی الشایب، بی‌جا، مؤسسه سما للنشر و التوزیع، ۲۰۰۷م.
۲۰. نسخه خطی، رساله در قرائت عاصم، عمادالدین استرآبادی، نسخه شماره ۰۰۸/۰۴,۰۶۲۰۰/۱۳۹۳م، موزه ملک.
۲۱. نسخه خطی، منهل العطشان فی رسم احرف القرآن، طاهر بن عرب بن ابراهیم اصفهانی (حافظ قاری ابوالحسن فخرالدین)، نسخه شماره ۱۱۰۲۷۶۷، کتابخانه ملی ایران.
۲۲. نسخه خطی، تحفة القراء یا تحفظ القاری، مصطفی بن ابراهیم قاری، نسخه شماره **IR10-35536**، کتابخانه مجلس شورای اسلامی.

